

هفتی و هفتاد

شماره دوم



بزرگواران کوهسار آمدید

هنرمردم

از اشارات هنرمندانه زیبای کشور

شماره دوم - دوره جدید

آذرماه ۱۳۴۹

مطالب این شماره :

- هنر تزیین اشیاء بوسیله خمد ۴
- نمایشگاه خراسان ۸
- یکی دیگر از رازهای تخت جمشید ۱۴
- موزه مردم شناسی ۲۴
- نمایشگاه تشبیهات معاصر ترکیه ۳۶
- سمای هنرمندان (استاد علی گریبی) ۴۸
- ما و جوانان ۴۲

مدیر: دکتر آ. خدایندو
 سردبیر: شادان الله خسته
 طرح و تنظیم از صادق بریرانی

نشریه اداره روابط بین المللی و انتشارات

نشانی: شماره ۷۶ خیابان دالنگده - تلفن ۳۵۵۱۶

هنرهای زیبای کشور مهد هنرمندان پاک و واقعی است.



شرح روی جلد

اعلیحضرت همایونی و شاهنویس محبوب ایران
 هنگام بازدید از نمایشگاه خراسان

جایگاه سازمان صنعتی و تفریحی هنرهای زیبای کشور

تاریخ هنرهای ایران

هنرهای ایران پس از اسلام

در عصر ساسانی

در تمام دنیا خط وسیله‌ای برای فهماندن مطالب است که در موزن انسان خلطور میکنند. در کشور ما که همه چیز را با شعر و هنر همراه میکنیم خط را نیز بصورت يك رشته هنری بسیار زیبایی در آورده‌ایم بطوریکه اشخاصی مانند هلندیها و فرانسویها با امریکائیها، که کوچکترین اطلاعی از خط ما ندارند، صفحات خوشنویسان ما را بقیستهای گزاف میخرند و آنها را زینت خانه‌های اروپائی و امریکائی خود مینمایند. در عهد اشکانیان و ساسانیان هنرمندان ایرانی برای تزئین در و دیوار کاخ‌های امرا و پادشاهان از گچ برها استفاده میکردند.

نمونه‌هایی از این گچ برها در خرابه‌های تیسون پیدا شده و بسوزة برلن نقل گردیده. تعداد دیگری نیز در خرابه‌های قدیم شهر آشور از زمان اشکانیان کشف گردیده. در موزة ایران باستان نیز مقدار گچ بری که از کاخی از عهد ساسانیان در دامغان کشف گردیده، محفوظ میباشد. این گچ برها نشان میدهد که در عهد اشکانیان و ساسانیان هنرمندان ایرانی از ایجاد نقوش هندسی و مصنوعی لذت میبردند. و با اصطلاح نقاشان امروزی «آبستره» کار میکردند.

اگر می‌بینیم پس از انقراض دولت ساسانی برای تزئین دیوار کاخ‌های امرا و بزرگان خط جای نقوش هندسی را گرفت برای این نیست که دین اسلام را جمع باین موضوع دستوری داده باشد، بلکه فقط برای این است که هنرهای تزئینی کشور ما بدون توجه بتغییرات سیاسی و مذهبی راه تکامل خود را میسوزد است و هنرمندان ما در نتیجه آشنائی با خط عربی این فکر بنظرشان رسید که میتوانند از آن برای تزئین دیوارهای خود استفاده کنند و شاید از نقش خطوط هندسی و آبستره خسته شده بودند و مترصد بودند که موضوع تازه‌ای برای تزئین دیوارهای خود پیدا کنند و این موضوع تازه را در خط عربی یافتند. چون کلمه

چرا خارجیا بدون آنکه اطلاعی از زبان فارسی داشته باشند صفحات خوشنویسان ما را میخرند؟ چگونه ذوق لطیف ایرانی خط را بعنوان يك عامل تزئینی مورد استفاده قرار داده است؟

فرانسوی «آبستره» امروز در میان مردم معمول شده در اینجا بکار برده شد و مقصود از نقش «آبستره» نقشی است که برای ایجاد آن از طبیعت تقلید نشده و هیچ چیزی در طبیعت شبیه نیست جز بخطوط منحنی یا شکسته‌ای که نماینده خیال و فکر هنرمند است . شاید بتوان کلمه «آبستره» را بواژه‌های معنوی یا غیرمادی یا مصنوعی و تخیلی ترجمه کرد .

موضوع مهم این است که این نقش «آبستره» یا خیالی و مصنوعی زائیده فکر هنرمندان ایران است و تحولاتی که در دوره اسلامی پیدا کرده هیچ وجه مربوط بدین اسلام نیست .

مثلاً نقش قالی از ابتدا در ایران خیالی و مصنوعی بوده . در حقیقت قالی باف خواسته است روی قالی خود باغ و درختان و گل و بلبلی را نشان دهد و بجای آن مقداری خطوط منحنی و شکسته را طوری نشان داده و ببارشی رنگ آمیزی نموده که برای چشم لذت واقعی دارد . درباره خط نیز همین رویه انجام گرفته و آنرا برای استفاده در تزئینات بکار برده‌اند . روی نوشته‌های آرامگاه داریوش اول در نقش

ش ۱ - خط کوفی همکار در قرن چهارم هجری



هنر و مردم

رستم آثاری از رنگ آبی لاجوردی دیده شده و این نشان میدهد که در اصل این نوشته‌ها رنگ آبی داشته‌اند . میگویند کتاب اوستا روی پوست گاو با خط زرین نوشته شده بود . کتب مانی نیز طبق گفته محققان اوایل دوره اسلامی با خط زرین نوشته شده .

یکی از قدیمترین نمونه خط کوفی گل‌دار که در کشور ما وجود دارد ، و بخوبی نشان میدهد چگونه از خط برای تزئین بنا استفاده شده ، نوشته‌های مسجد جامع فائین است که بتاريخ ۲۸۸ هجری مورخ میباشد . (شکل ۱)

در این نوشته‌ها ابتدا و انتهای حروف با قوشی شبیه بیرگد خرما تزئین شده و باین طریق خواندن آن کار آسانی نیست .

کتیبه مسجد فائین بطریق زیر خوانده میشود :
امن بالله والیوم .

دویست سال بعد در مسجدی در زنگبار که بوسیله ایرانیانی که بآن کشور مهاجرت کرده بودند ساخته شده ، همین کتیبه با تزئینات بیشتر و بیج و خیم‌های زیادت ، زشت دیوار گردیده . خواندن کتیبه زنگبار بسیار



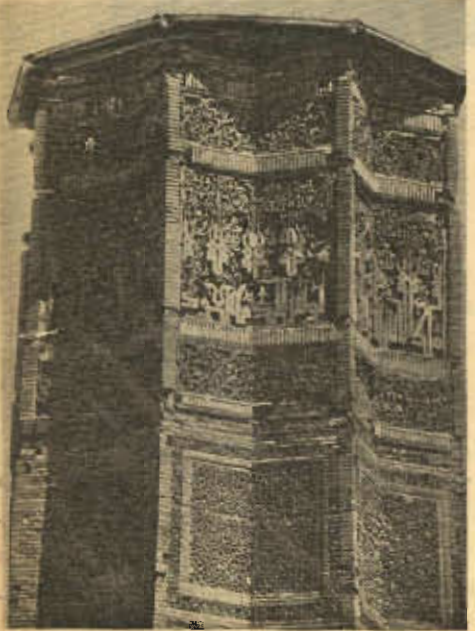
ش ۲ - کتیبه زنگبار که تحول خط کوفی را بعد از دو قرن نشان میدهد

مشکل تر از قرائت کتیبه فائین است و تحول خط کوفی را در عرض دو قرن نشان میدهد (شکل ۲) .

تقریباً یکصد سال بعد از مسجد زنگبار در روی دیوار برجی که بافتخار سلطان مسعود سوم (۴۶۲-۵۰۷ هجری) ساخته شده کتیبه زیبایی ، مخلوط با نقوش هندسی ، بشیوه کاخ اشکانی در مشطه روی آجر تراشیده شده (شکل ۳) ، که بمنزله یکی از شاهکارهای هنر خط نویسی روی آینه میباشد و قابل مقایسه با کتیبه مدرسه نظامیه در خارگرد است که بنام نظام الملک

ش ۳ - برج سلطان مسعود سوم در غزله

هنر و مردم





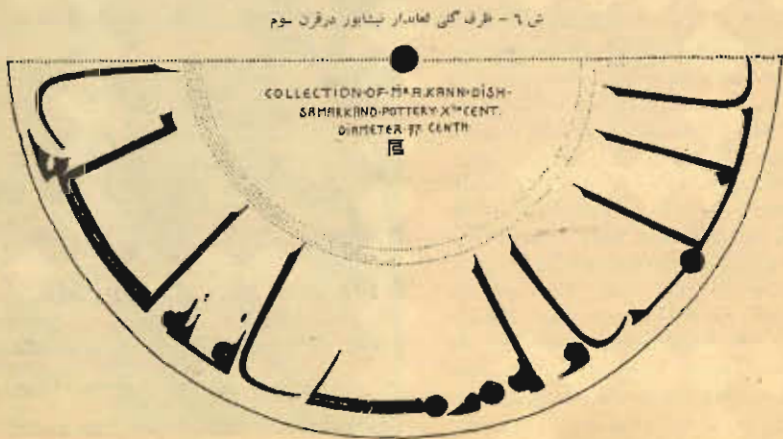
ش ۴ - کتیبه مسجد جامع خارگرد بنام نظام الملک

بشقابهایی از نیشابور بدست آمده (شکل ۵) و تنوعهای متعدد از آن در موزه ایران باستان موجود است. خط بشقابی که در صفحه مقابل دیده میشود بطریق زیر خوانده میشود: «الحلم اوله متر مذاقته لکن آخره احلا من العسل» (شکل ۶) و در نمونه دیگری «لصاحبه برکة وین و سرور».

بنابر این هنرمندان ایران از خط عربی بانواع مختلف در روی دیوار مساجد و سردرها و درهای چوبی و بشقابهای سفالین و اشیاء دیگر استفاده نموده آنرا بصورت تزئین زیبایی در آورده‌اند و این یکی از خصوصیات است که هنر ایران را از هنر کشورهای دیگر اسلامی متمایز مینماید.



ش ۵ - طرف گلی لعابدار نیشابور در قرن سوم



ش ۶ - طرف گلی لعابدار نیشابور در قرن سوم

ساخته شده. (شکل ۴) در عهد اشکانیان و ساسانیان تزئینات دیوارها و درهای کاخ‌ها روی گچ تراشیده میشد. در دوره اسلامی نیز سوره‌های قرآن یا نام سازندگان مساجد یا تاریخ بنای آن روی گچ تراشیده شد. بنابراین در سیاق کار تفسیری حاصل نشد. فقط موضوع تزئینات عوض شد. این مطلب از مقایسه نوشته‌های مسجد جامع قائم با تزئینات کاخ تیسفون یا «مشطه» بخوبی معلوم میگردد. این شیوه خطنویسی بنا تراش آجر کاملاً متناسب بود و طبعاً خطوط بصورت افقی یا عمودی در می‌آمدند و در کتیبه‌ها خط منحنی دیده نمیشد. نظایر این خطوط در قرن سوم هجری در روی

نمایشگاه خراسان

فرهنگ عامه هنرهای زیبای کشور شما را با آداب و رسوم و ادبیات محلی هموطنان عزیزمان آشنا بسازد

ساعت ۵ بعداز ظهر روز پنجشنبه بیستوششم مهرماه شاهنشاه و شهبانوی ایران نمایشگاه بزرگ خراسان را که در ساختمان نیمه تمام موزه مردمشناسی واقع در شرق موزه ایران باستان ترتیب داده شده بود افتتاح فرمودند. ابتدا دختر خردسالی دستگام تقدیم کرده سپس جناب آقای یقیند معاون نخست وزیر و رئیس هنرهای زیبای کشور آقای دکتر صادق کیا استاد دانشگاه و رئیس اداره کل موزهها و فرهنگ عامه را بحضور اعلیحضرتین معرفی کردند و پس از آن آقای دکتر کیا گزارشی درباره چگونگی تشکیل نمایشگاه خراسان به عرض رسانید و درخاتمه آقای جلیل شیباییور رئیس اداره نمایشگاهها و مطرح و آراینده نمایشگاه خراسان را به شاهنشاه و علیاحضرت شهبانوی ایران معرفی نمود و شاهنشاه باقطع نوار سرنگ نمایشگاه را گشودند و تا ساعت شش و نیم هم روز از غرفه های مختلف نمایشگاه خراسان بازدید فرمودند.

این نمایشگاه سومین نمایشگاهی بوده است که توسط اداره کل موزهها و فرهنگ عامه هنرهای زیبای کشور ترتیب داده شده بود و دارای چند غرفه از آثار تاریخی، هنری، صنعتی محلی و همچنین برخی از آثار مهم و نورنمای شهرها و خانهها که محیط زندگی بخشهای مختلف مردم استان خراسان را نشان میداده است به معرض تماشا نهاده شده بود.

غرفهها عبارت بودند از: غرفه فردوسی، کشدوزی و بافتندگی و رقص قوچان، چادرشیران، پوستین دوزی، دورنمای شهرهای بجنورد و تربت جام و خوانق و گناباد و بیرجند و کاشمر و قائبات و تون و طیس، خیام و شیخ طاهر، فرشهای دستی و آستان قدس رضوی.

چیزهایی که در این غرفهها بیش از همه چشم میخورد و در بیننده تاثیر بسیار فراوان بجا میگذاشت شامل مقبره دوسی و محتفای ازداستان جنگلرستم و اشکبوس، بافتندگی و لندمالی و رقصهای محلی و آهنگهای قوچانی، زندگی چادرشیرانی همراه با گلهداری و سروصداهای گله و چوپانان و تهیه لبنیات، پوستین دوزی و پوست تراشی، مناظری از بینزار و بافتن فرشهای ترکمنی، مقبره شیخ احمد جام، آسیابهای بادی و جامندهای پوستی و ماکت آستان قدس رضوی بوده است. برای تشکیل این نمایشگاه بیش از پنجاه گروههای مردمی دوسال و اندی بان سرزمین فرستاده شد و این گروهها در هر بار به بررسی در معتقدات، ادیان، هنرها، رسنها، صنعتهای محلی، پیشها، افزاینهای کار و هنر و صنعت، بازیها، داستانها، ترانهها، آهنگها و مثلاً پرداختند و آنچه را هم که برای نمایشگاه خراسان لازم بود خریداری کردند. لزوم و اهمیت این بررسیها که به شناسایی واقعی ملت ایران می انجامد بر اشخاص ژرف بین پوشیده نیست و روشن است که چه تاثیر



شاهنشاه و شهبانو هنگام ورود اسکی از غرفه های نمایشگاه

شاهنشاه و شهبانو کارهای دستی مردم خراسان را بازدید میفرمایند.



شگرفی در زندگیگاهداشتن ستها و آئین گرانهای ملی که میراث نیاکان نام آورما است خواهد داشت همچنین چندان بزرگی در پیشرفت فرهنگ و در کیفیت دآوری و طرز فکر مردم ایران درباره خود و در چگونگی دآوری و اندیشه دیگران درباره خود خواهد نمود.

این بررسیها و محبت پانسانی ملت ایرانرا از نظر علمی آشکارتر خواهد ساخت و در نتیجه بر ضرورت ملی ، اتکاء بنس و حس میهن پرستی خواهد افزود و باعث حفظ و رواج هنرها و صنعتهای ارزنده ملی خواهد گردید و سرمایه تازه و بزرگی به ادبیات کنونی ایران خواهد بخشید.

در تشکیل نمایندگان خراسان پنجاه و هفت نفر هنرمند و کارمند همکاری داشته اند و در روز افتتاح سی و دو نفر مجلس بهادارهای محلی در مقام مختلف نمایندگان بوده اند و سی و پنج مانکن که همه آنها در کارگاههای اداره کل موزهها ساخته شده بود و بهادارهای محلی برای تزئین نمایندگان مورد استفاده قرار گرفته بود.

نمایندگان خراسان بهینندگان و دستیاران فرهنگه ایران بر آنکه سفری به خراسان کرده باشد و وقت فراوان برای بررسی زندگی و هنرهای مردم آن سامان صرف کرده باشند آگاهیهای گرانها و بر ارزش عرضه میکرد و با مهمترین و جالبترین قسمتهای زندگی خراسانیها و آثار تاریخی خراسان آشنا میساخت.

آگاهی درباره خراسان

خراسان (استان نهم) سرزمینی است به مساحت ۳۱۴۲۸۲ کیلومتر مربع و بیش از دو میلیون نفر جمعیت دارد . جمعیت نسبی آن در هر کیلومتر مربع ۶/۴ است .

بزرگترین شهر و مرکز آن مشهد است که دویست و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد و یکی از بزرگترین و زیباترین شهرهای ایران است .

سیزوار ، نیشابور ، قوچان ، جنورد ، تربت حلیه ، بیرجند ، کاشمر از نظر جمعیت ، شهرهای بزرگ خراسان هستند .

شصت درصد از مردم خراسان یکتاوری و نگهداری و در حدود ۸/۳ درصد به باقندگی (کلبه ، قالی ، پارچه) و بقیه بکارهای دیگر اشتغال دارند .

خراسانیها به زبان فارسی سخن میگویند و در فارسی آنها واژههای کهنه محلی بازمانده است . دستههایی از بلوچها و کردها به این استان کوچ و اغلب گویش خود را حفظ کرده اند . کردها در روزگار کهن تری (گویا در زمان صفویان) به شمال این استان (قوچان ، باجگیران ، جنوره ، کلان) آمده اند و گویش آنها از نظر دستور واژهها با کردی کرمانشاه ، سنندج



یك باغچه قوچانی در نمایگاه خراسان

و مهاجرت بکلی فرق دارد . عدهای نیز بگویش ترکی سخن میگویند و این ترکی پراز واژههای فارسی و محلی است .

خراسانیها همه مسلمان و بیشتر پیرو مذهب تشیع اند و در میان آنها بویژه در بخش جنوب و مشرق این استان پیروان مذاهب سنن نیز دیده میشود . خراسان در روزگار گذشته به سرزمین بسیار بزرگتری اطلاق میشد که بخش بزرگی از آن در پیرون مرزهای سیاسی ایران کنونی قرار دارد . خراسان املا در زبانهای پهلوی و فارسی به معنی مشرق بوده و نیز فرهنگهای فارسی به این معنی یاد شده است .

سرزمین خراسان در گذشته یکی از گهوارههای بزرگ پرورش و نشر زبان و ادبیات فارسی بوده است و دانشمندان و نویسندگان و شاعران بسیار بزرگ و فراوان از این سرزمین برخاسته و آثار بر ارزش و جاودانی از خود بیاگذار داشته اند که مهمترین آنها شاهنامه فردوسی است .

از آثار سخنوران خراسان روح مبین پرسی ، مردانگی ، دلیری ، جنگاوری ، زرقاندیشی و بزرگعشی سخت نمودار و آشکار است . پیام نیشابوری ، غلامنیشابوری ، عنصر بلخی ، شهید بلخی ، ابوشکور بلخی ، مولانا جلال الدین بلخی ، عسجدی مروزی ، انوری ایبوردی ، ظهیر قاریانی ، دقیقی ، تاسع روقادانی ، ابوالفضل بهیقی ، غزالی طوسی ، ابوسعید ابوالخیر ، خواجسته الامام طوسی ، خواجسته نصیر الدین طوسی ، ابوالفتح یمنی ، شیخ احمد جام از سخنوران و دانشمندان نامی خراسان بوده اند .

سیر نمایگاه خراسان

از کوه زینجا در بیکر نشیند

آ آ آب روم بنه زینجا بنه ساری

نقوش آ آ سیر بیکر بنه ساری

نموده کوچکی از آرامگاه فردوسی در نمایگاه خراسان



خر و مرده

آیا تابستان برایتان اتفاق افتاده است یعنی از کشورهای خارجی حتی آنهایی که از نظر تمدن مادی از ما جلوتر اند مسافرت کرده باشید ؟ آدمی در میان آن همه زرق و برق و شکوه ظاهری تمدن ، خود را در عالمی چون برزخ احساس میکند . تنش در آسایش است اما جانش آفریده و معلول . بدنتی از آن همه تنعمات سیراب است اما روحش برقرار و بی تاب . کوشش روان در جستجوی چیزی نامرئی است . علت چیست ؟ چاه اشاق افتاده است ؟ لغتی داشت کتبم شاید قضیه روشن شود . درست است که خارجیها مؤذنبند ولی ما دلمان برای يك سلام و احوالپرسی همچنانکه بین خودمان مرسوم است تنگ شده است . آن همه ساختمانهای گویه بیکر و آسمان خراشهای عظیم البته هرگز با کلبههای روستائی کنار دریای خزر و نمای دلانگیز منارهها و گنبدهای مساجد که در زیر نور ماه همچون گویس بسیمین بنظر میآید برابری نتواند کرد . دلمان برای يك غزل ، يك ترانه ، يك مثل عامیانه ایرانی لکژده است . تمدن مادی بجای خود اما روح ما تنگ همان نوازی و جوانمردی و بزرگواری و بفرافتنج ایرانی است . آری روان ما همچون عضوی که از بدن جدا مانده باشد بر تاباست تا با غوش روح بزرگ اجتماع بازگردد . همان روحی که از سن ، آداب ، رسوم ، ادبیات و هنرهای ملی پدید آمده است .

هنرهای زیبای کتور که همواره میگوید تا این روح بزرگ ملرا از دستبرد حوادث محفوظ بماند و با تشکیل نمایگاه خراسان سعی کرده است تا سنن و آداب ناحیه خراسان را در اذهان تمام هموطنان زنده سازد . نمایگاه خراسان نشان میدهد خراسانی چگونه زندگی میکند ، چگونه فکر میکند ، کارش را چگونه انجام میدهد و تقریبش چه جور است . باینوسیله شما خود را با او نزدیکتر و یگانهتر احساس میکنید و لازم توضیح نیست که این یگانگی در حفظ استقلال و ملیت ما چه تأثیر شگرفی دارد .

هنگام بازدید از این نمایگاه در حالیکه تازه از زیارت ماکت مرقد حضرت خرمات علیه السلام فراغت مییابید چادر نشینان را بگلهداری مشغول میبینید . در گوشه های ترکمانان برایتان قالیهای زیبا می یافت . آن طرف منظرهای از يك پهنهزار خراسانی قرار دارد و این طرف فردوسی حسابسرای نامدار برون کور خود بخواب رفته است . در يك لحظه بزرگان چون شیخ قطار - ابوشهد بلخی - ودها مرد نام آور دیگر خراسانی بزرگها شما جان میگیرند و بقیام در گوش شما ریاضت دلتنشین خود را زمزم میکنند : « این کوزه چون عاشق زاری بوده است . در آن سوی که بوستین دوزان کار میکنند در عالم خیال نادرشاه افشار فرزند بوستین دوز خراسانی را می بینید که همچنان مردانه و استوار برپای امشانه و قریاد میزند : « منم قادر فرزند شمشیر »

یکی دیگر از رازهای تخت جمشید

کشف شکل و چگونگی درفش شاپنا ان هخامنشی

یحیی زکاء

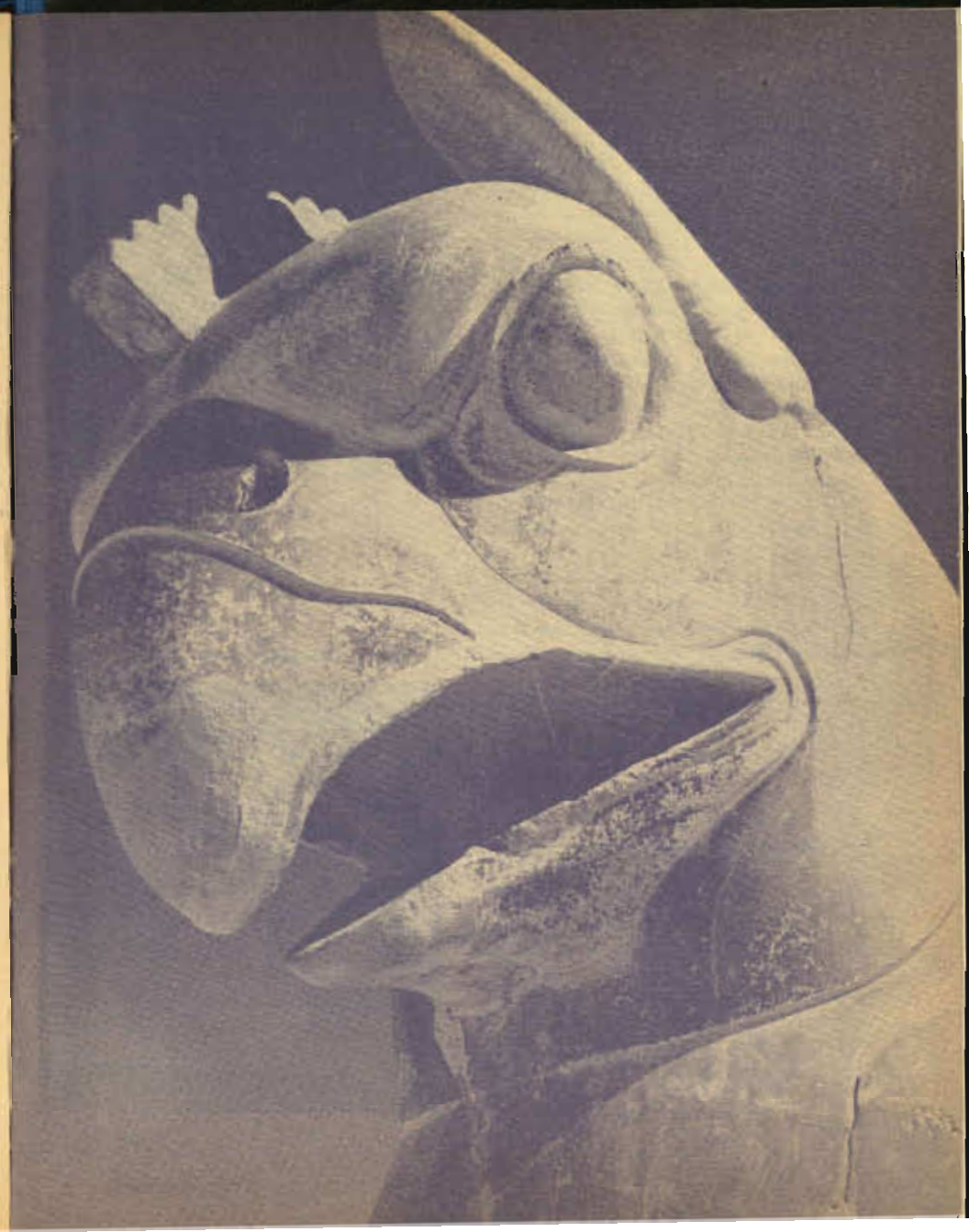
داستان از اینقرار است که برای نویسنده، ضمن مطالعه و تحقیق در اوراق مطالب و مباحث فوق، با مساعبت‌های مقام ریاست کل‌هنگام‌های زیبای کشور، امکاناتی پیش‌آمد که توانست دوسفر چند روزه به تخت جمشید انجام داده سنگ نگاره‌ها و بناهای آنرا از نزدیک بدقت مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. در ضمن این بررسیها و مطالعه کتابهای مربوط به این موضوع خوشبختانه موفق شد از راز مهمی در زمینه چگونگی درفش شاهنشاهان هخامنشی پرده بردارد، و مدرک متقن و محکم دیگری بر سایر مدارک این موضوع بیفزاید، اینک بسیار مختصر و شادمانست که این موضوع را برای نخستین بار در مجله هنر و مردم مورد بحث قرار داده معالو تاریخ و باستانشناسی ایران عرضه میدارد.

در باره درفشهای دوره هخامنشی، اطلاعات ما تاکنون، منحصر به نوشتهها و اشارات تاریخ‌نویسان یونانی بوده است. از آن جمله گرنون (۴۲۷ - ۳۰۰ قبل از میلاد) در کورش‌نامه (کتاب ۸ - فصل ۵)، دمورد درفشهای زمان کورش بزرگ نوشته است که: «دربك از چادریهای فرماندهان برای شناختن آنها، درفتی مخصوص دارد و چنانکه خدمتگاران با هوش خانههای شهر نشینان بسیار و مخصوصاً سرشناسان را میشناسند، کارکنان کورش هم چادریها و درفشهای سرداران را میشناختند و اگر کورش کسی را میخواست خدمت‌اش ناچار نبودند در جستجوی چادری برآیند بلکه یکسره از کوزه‌های راه به چادری می‌رفتنند». باز در جای دیگر نوشته: «هر دسته از گروهان درفتی داشت که بدست اسکوفور (Skeuphor) بوده.

از جمله موضوعهای دلگش و شیرین مربوط به تاریخ و باستانشناسی و هنر ایران تحقیق در پیرامون درفشهای دوره‌های تاریخی و مطالعه خصوصیات و تحولات آنهاست.

در باره درفشهای ایران در دوره‌های گوناگون با اینکه چندین رساله و گفتار نویسنده از طرف دانشمندان میرز و فله‌ای سرشناس مانند: لوی (Levy)، بوستی (Justi)، اسکارمان (O. Mann)، زاره (Sarre) پارتولومه (Bartholomae)، آرتور کریستنسن (A. Christensen)، فیلیس آکرمن (Ph. Ackerman)، احمد کسروی، مجتبی مینوی، سعید نفیسی، حمید تبریزی، دکتر ذبیح‌الله صفا و رومانسکی نوشته و چاپ شده است، هنوز در گفتگو باز و جای سخن باقی است.

نویسنده این گفتار نیز بنا به وظیفه‌ای که در سال اخیر در کمیسیون نظام جشنهای دوهزار و پانصد ساله بنیان شاهنشاهی ایران بنیادگی هنرهای زیبای کشور به عهده داشته و دارد در ضمن بررسی و تحقیق در پیرامون الهه و اسلحه و درفشهای دوره‌های تاریخی ایران به موضوعی برخورد که خوشبختانه منجر به کشف راز مهمی در باره شکل و چگونگی درفش شاهنشاهان هخامنشی گردید. و ناگفته نباید گذاشت که استعمال کلمات «راز» و «کشف» در این گفتار از آن لحاظ است که تاکنون هیچ‌یک از دانشمندان و نویسندگان مذکور در فوق و دیگر باستانشناسان - حتی بروغزور اشمیت باستانشناس معروف که دقیق‌ترین و مفصل‌ترین مطالعات را در پیرامون ساختارها و وضوح تخت جمشید انجام داده است - از آن اطلاع نداشته. در نوشتهها و کتابهای خود ذکری بنیان نیاوردند.





ش ۱ - مدال زرین با نقش شاهین
شهر گنوده از دوره هخامنشیان
(مده پنجم پیش از میلاد)
موزه بریتانیا

هر دو ت نیز در این مورد مطالبی نظیر نوشته‌های گرنفون در کتاب خود آورده . ولی هیچیک از آنان درباره شکل و نقش و چگونگی آنها توضیحی نداده است .

همچنین از نوشته‌های این تاریخ نویسان پیداست که گذشته از درفشهای مخصوص فرماندهان و سرداران لشکر ، شاهنشاهان نیز يك درفش مخصوص بخود و مقام سلطنت داشته‌اند که عواره هنگام جلوس بر اورنگ شاهنشاهی و حرکت در میان لشکر و سپاهیان ، در پشت سر آنان برافراشته میشده است .

گرنفون در کوش نامه (کتاب ۷ - فصل ۱) در داستان لشکر کشی کوروش به بابل درباره این درفش مینویسد : « کوروش به آنها (سرپازان) سفارش کرده چشم به درفش داشته یا گامهای شرمه حرکت کنند ، درفش کوروش شاهینی بود زرین با بالهای گشاده که بر نیزه بلندی برافراشته بودند . و بعد افزوده : « درفش پادشاهان ایران هنوز هم بدین گونه است » .

(ش ۱)

باز هم در کتاب دیگرش بنام لشکر کشی (آناکزیس)

میشود که درفش مخصوص شاهنشاهان هخامنشی دارای نقش یا شکل شاهین شهر گنوده می بود که بر سر نیزه نصب میشده است ، ولی از شکل و چگونگی خود درفش و اینکه آیا نقش شکل شاهین بر روی پوست یا پارچه یا چیز دیگر قرار می گرفته یا خود مستقلآ بصورت مجسمه بر سر نیزه نصب میشده است معلومی بدست نمی آید . اما اگر درباره شکل و چگونگی درفش شاهنشاهان هخامنشی تاریخ نویسان یونانی مهر سکوت بر لب زده و اطلاعاتی در آن باره بدست نمی دهند از سوی دیگر خوشبختانه دو مندرک واتر باستانی یکی از یونان و دیگری از روم این تصویر را جبران می کنند .

مندرك نخستین جامی است گلی ساخت یونان که اینك در موزه لوور پاریس محفوظ است . (ش ۲)

در داخل این جام تصویر چپکار يك تن سرپاز سنگین اسلحه یونانی و در فرسوار لشکر ایران نقاشی شده و موضوع آن چنانکه نیوفار است از يك فكر حماسی و انتقام جویانه یونانی نشأت گرفته است . در تصویر این جام در فرسوار لشکر ایران که جامه مادی پوشیده است بر اثر شیره های که از شمشیر سرپاز یونانی خورده بپرو بر زمین افتاده و سر یا گمناش بسوی

پرتاب شده و قسمتی از کمانهان او نیز که شبیه کمانهانهای منقوش در تخت جمشید است پیداست . سرپاز ایرانی بالینکه بر زمین افتاده بنا بر وظیفه سرپازی هنوز خوب درفش را رها نکرده در فرسوار همچنان بر پا نگاه داشته است سرپاز یونانی که در بالای سر او ایستاده آماده است مریخی دیگر با شمشیر خود بر او فرود آورد .

در جاشیه طرف بیخ یونانی نوشته است که « دورس (Doures) این را کشیده و چنانکه از موضوع آن پیداست یادگار زمان جنگهای ایران و یونان است . آنچه در این تصویر مورد توجه ماست شکل و نقش درفش سرپاز ایرانی است که عبارت است از مربع یا مستطیلی که از پارچه یا چیز دیگر که دو وتر آنرا به چهار مثلث تقسیم کرده است و مثلثهاییکه دو بندو از رأس با هم مساوات هدرنگ هستند یعنی از چهار مثلث دوتای مقابل سفید و دو دیگر سیاه رنگ است . این مربع از پشت بچوب یا میله درفش نصب شده و گویا دارای دو وجه یا صورت بوده و پشت و روی درفش را بيك شكل مینمایانده است و در این تصویر گوشه ای از قسمت پشت درفش که کشیده شده از زیر پیداست .



ش ۲ - جام گلی یونانی با تصویر
سرپاز سنگین اسلحه یونانی
و در فرسوار ایرانی (موزه لوور)



ش ۱ - بارگاه داریوش اردرگاهی
های لالار سدستون تخت جمشید.



ش ۲ - بارگاه داریوش اردرگاهی
های لالار سدستون تخت جمشید.



ش ۳ - نقش برجسته بارگاه
داریوش ، ازخرانه تخت جمشید



ش ۴ - جوزابلد ازپیشی که جنگ داریوش سوم واسکندر مقدونی را درایسوس شکست میدهد (موزة ناپل)

اما آنچه از نوشته و تصویر در این مورد یاد کردیم همه خارج از کشور ایران و متکی به اطلاعات غیر ایرانی نبود و تاکنون مدرکی که مربوط به زمان هخامنشیان و از خود ایران باشد از طرف محققان و دانشمندان باستان شناسی ارائه نشده است. خوشبختانه نویسنده این گفتار چنانکه در آغاز مطلب نوشت بر اثر دقت و مهارت فراوان و بررسی دقیق در نقوش تخت جمشید و سایر آثار دوره زرتشتی ایران باستان ، توانست شکل درفش شاهنشاهان هخامنشی را که اتفاقاً مؤید اقوال و نقوش مذکور در فوق میباشد کشف کند.

بیگمان بیشترین از خوانندگان گرامی که با آثار موجود در تخت جمشید و نقوش آن آشنایی دارند میدانند که نقش برجسته بارگاه داریوش بزرگ که در آن یکی از بزرگان ماد را بحضور پذیرفته و گزارش او را می شنود - چهاربار در بالای نقش برجسته دیواره درگاههای لالار سدستون شماره (۵۰۴) (لالار تخت) و دوبار قطع بزرگتر در حرانم تخت جمشید (ش ۶) تکرار شده است. از مکرر بودن این نقش برجسته پیداست که موضوع آن اشاره بیدک واقعه مهم تاریخی است که هم میادرت به حجاری آن شده و هم در جاهای مختلف تکرار شده است.

دومین مدرک و اثر باستانی درباره شکل و چگونگی درفش شاهنشاهان هخامنشی ، موزائیک رنگین است که در کف تالاری در (کاسا دل فائونو) واقع در شهر پیشی ایتالیا که در سال ۷۹ میلادی بر اثر آتش فشان کوه وزوو در زیر خاک و خاکستر مدفون شده بود پست آمده است (ش ۳). این تابلو موزائیک که اینک در موزه ملی ناپل محفوظ است منظره جنگ اسکندر مقدونی و داریوش سوم را در ایسوس نشان میدهد.

در این تصویر نیز درفش شاهنشاه هخامنشی (که متأسفانه قسمتی از موزائیکهای آن ریخته است) به صورت صفحه مربعی نشان داده شده که بر سر نیزه که پیکان آن از پشت پیداست نصب شده است ، درفش دارای حاشیه ای است برنگه سرخ مایل بقرمزی که شاید در اصل بنفش یا آبی و از غنای بوده است و در وسط آن نقش شاهین زرینی ترسیم یا دوخته شده است .

تثابه شکل درفش در این دومین مدرک باستانی و تطبیق نقش وسط درفش موزائیک پیشی با نوشته های تاریخ نویسان یونانی در این مورد ما را تا حدودی مطمئن میسازد که درفش شاهنشاهان هخامنشی جز چنین شکل و نقشی نداشته است .



ش ۲



ش ۹



ش ۸

این نقش برجسته طرز جلوس شاهنشاه هخامنشی را بر اورنگ پادشاهی و تشکیل مجلس پاد و مراسم مربوط به آنرا دقیقاً نمایش میدهد. صرف نظر از شرح جزئیات آن اگر خوانندگان در تصاویری که از این نقش برجسته به چاپ رسیده است دقت فرمایند ملاحظه خواهند کرد که در پشت سر شاهنشاه و افراد دیگر، در خارج از سایه‌بان و سراق سلطنتی، سربازانی با جامه پارس (در نقش برجسته‌های تالار صدستون یکتن، در نقش برجسته‌های خزانه دوش) نیز به دست آمده‌اند. مثلاً اگر در نقش برجسته خزانه (ش ۷) اعداد بالای نیزه نخستین سرباز را به دقت واری نمایم، سطح مربع برجسته‌ها خواهد دید که ضلع جیبی سمت چپ آن در امتداد دیرک سایه‌بان و جسیده به آن است و قاعده آن نیز نیزه دست سرباز را قطع کرده است، و ضخامت ضلع مربع از متن کار باندازه‌ایست که تولید سایه نموده است (اقسوس که در قرینه این نقش خزانه که اینک در موزه ایران باستان در تهران نصب شده است این قسمت شکسته، از میان رفته است).

گناییکه در این نقوش مطالعه و بررسی کرده، مطالبی نوشته‌اند و گاه به جزئیات نیز پرداخته‌اند متأسفانه به این گوشه از نقش چنانکه باید، توجهی نگردیده، بطور سطحی از آن

در گذشته‌اند، و اگر هم مانند پروفیسور اسمیت نقش‌نگار برده‌اند مونتوورا بطور صحیح دریافتند و آنرا نقش مشکوک نامیده‌اند. حال با توجه به نقوش یونانی و رومی که در بالا راجع به آنها گفتگو کردیم اگر مجدداً در پیرامون این گوشه از نقش برجسته‌ها عمیقاً بررسی نمایم خواهیم دریافت، مبدلی که در دست سربازان مزبور قرار دارد جز جوب یا میله درفش مربع شکلی نمی‌باشد و این سربازان نیز جز درفش‌دارانی که در نقش شاهنشاهی را در پشت سر داریوش نگاه داشته‌اند، کسی دیگری نمی‌باشند.

در نقش برجسته‌های تالار صدستون (یا تالار تخت) حدود صفحه مربع یا مستطیل درفش بوسیله خطی گود یا با اندکی برجستگی نموده شده (ش ۹۰۸) و نیز پشت درفش یعنی سمتی که اعداد میله درفش در آن نمایان است نشان داده شده است. در صورتیکه در نقش برجسته خزانه، چنانکه گفتیم برجستگی درفش بیشتر بوده و روی صفحه بایرند را نمایانده‌اند. در این نقش برجسته در روی میله درفش متأسفانه جز برده یا صفحه مربع ساده و بدون نقش و تزئین اضافی چیزی

دیدم نمیشود و دانسته‌یست تزئینات حاشیه و نقش متن داخلی برده درفش چگونه بوده است ولی اگر بدانیم که اغلب نقوش برجسته و در دیوار تخت‌جشنید هنگام آبادانی، رنگین و رنگ کاری شده بود و نقش‌نگار و جزئیات و تزئینات آنها بوسیله رنگهای گوناگون نمایانده می‌شده است. آنگاه میتوانیم گمان بریم که در این درفش نیز جزئیات و نقوش آن بوسیله رنگ نشان داده شده بود که به مرور دهور رنگها ریخته و از آن جز سطحی حاشی چیزی برجای نمانده است.

نویسنده گفتاور آن است که صفحه لاجورد مربع شکلی که در سال ۱۳۲۷ در کاخ آپادانای تخت‌جشنید بدست آمده است (ش ۱۰) و در داخل آن نقش شاهین با و چنگال گشوده‌ی، کنده شده و حاشیه آن با مثلثاتی رنگهای سبز و سفید و قرمز تزئین شده است. نمونه کوچکی از درفش شاهنشاهی هخامنشیان است. آنچه این نظر را تأیید میکند، گذشته از نقوش آن که مطابق اشاره‌های تاریخ‌نویسان و سایر نقوش هخامنشی میباشد وجود دوسوراخ در بالا و پایین آن است که احتمال می‌رود برای نصب در دیوار بوده و نیزه و سرنیزه‌ی مناسب با قطع آن نیز



ش ۱۰ - صفحه لاجورد مربع (۱۲۵ × ۱۲۵) با نقش عقاب که در سال ۱۳۲۷ در کاخ ۴۴ سون تخت جشنید کشف شده است (موزه ایران باستان)



ش ۱۱ - سکه ۴ دره‌ی سیمین از تعداد یکم سکه سوم پیش از میلاد



ش ۱۲ - سکه ۴ دره‌ی سیمین از تاریخ یکم (۱) از ۱۵۰ - ۱۰۰ پیش از میلاد

بهرخ شاهین بالوهر بستیمی را نسبی کرده‌اند که احتمال دارد بازمانده نقش شاهین درفش هخامنشیان است. همچنین دلایل محکمی هست که شکل و نقش درفش هخامنشیان که توسط جانشینان اسکندر از ایرانیان اقتباس شده و در میان رومیان معمول گردیده بود سپس توسط رومیان میان سایر ملل اروپا نشر و رواج گرفته‌است چنانکه علامت دولت‌های پروس و اتریش و ایتالیان و فرانسه و روسیه عزاری با اندکی اختلاف درست همان نقش درفش هخامنشی میباشد.

از سوی دیگر مدارک تاریخی نشان میدهد که درفش شاهان محلی فارس عیباً در دوره ساسانیان نیز معمول بوده و درفش کاویانی ساسانیان با توشیحاتی که فردوسی و مورخین اسلامی از آن کرده‌اند جز این درفش نبوده است.

یکی از دلایل وجود این نوع درفش در دوره ساسانی تصویر درفش است در نقش برجسته شاهپور در تنگ چوگان فارس که در یکی از مجالس آن یکی از هدیه آورندگان (که شاید رومیان) درفش مربع شکلی در دست دارد که شبه درفش هخامنشیان و قرته‌دارها و درفش کاویانی است (ش ۱۳).

چون شرح جزئیات درفش کاویانی دوره ساسانی باعث طولیل کلام میگردد اینک از آن صرف نظر نموده بحث در پیرامون درفش‌های دوره اشکانی و دوره ساسانی را به وقت دیگر میگذاریم.

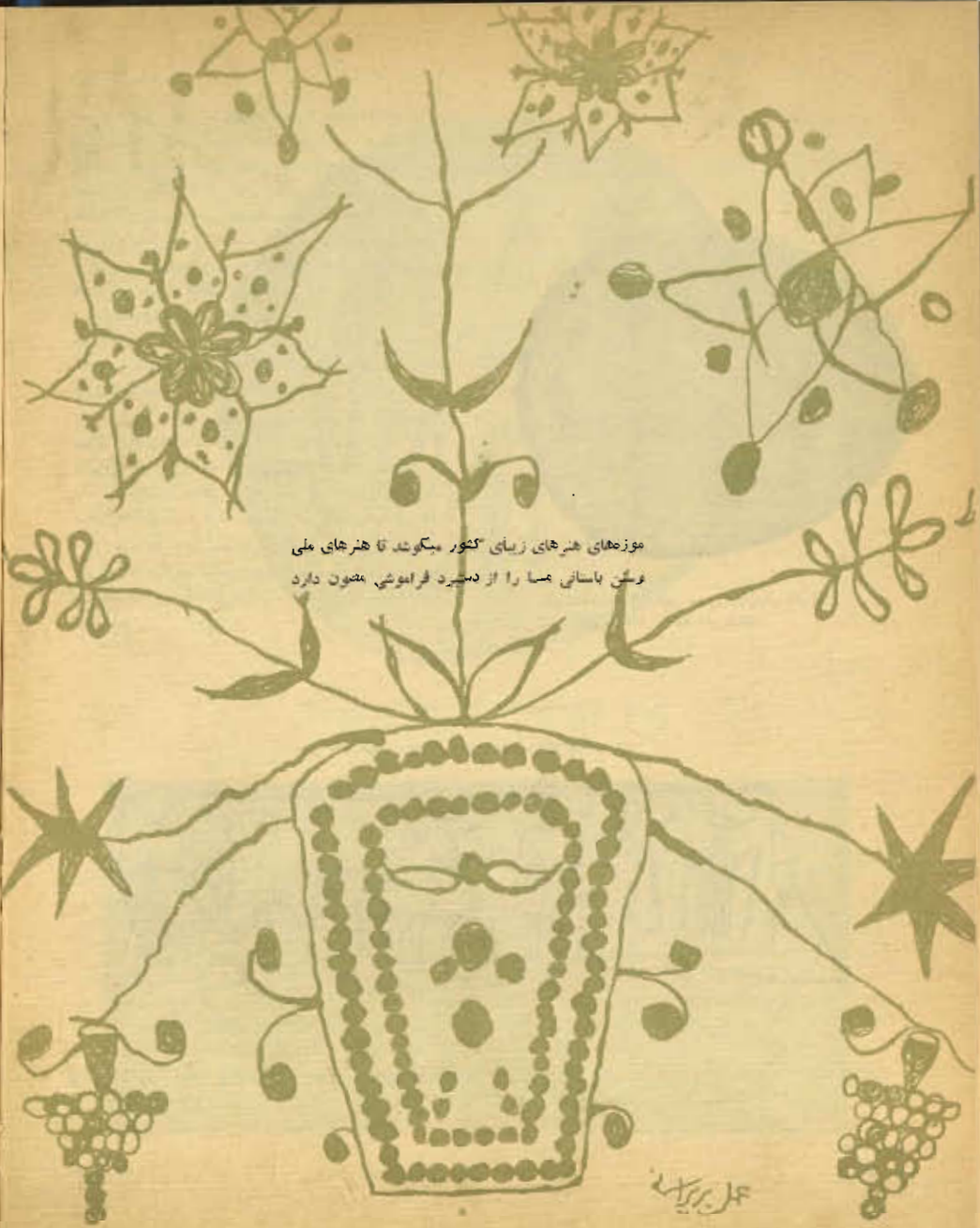
ش ۱۳ - قسمتی از نقش برجسته شاهپور در تنگ چوگان فارس



از این پادشاهان که احتمال می‌رود بیاکان ساسانیان بوده‌اند و ارضخیر بابکان آخرین آنها بوده که در ۲۲۶ میلادی پشاهشاهی ایران رسیده است مقداری سکه‌های سیمین بندت آمده که در روی آنها نقش درفش چهارگوشی بسیار شبیه به درفش هخامنشیان دیده میشود چیزی که هست در این دوره نقش داخل درفش از شاهین به کو که چهارپای که در فواصل پرنه‌های آن چهارقرس مدور قرار گرفته تغییر یافته و نیز چهارآویز رویایی یا گویهای کروی از آن آویخته شده است (ش ۱۱). و همچنین در یکی از سکه‌ها که متعلق به داریوش اول (۱) از همین سلسله میباشد و تاریخ آنرا بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ پیش از میلاد تعیین کرده‌اند (ش ۱۲)، در بالای درفش هیکل

در پشت قرار میگرفته است و شاید بتوان تصور کرد که این کاشی مربوط به مجلسی نظیر مجالس فوق، منتهی از کاشی لغایی رنگین بوده که اینک از آنها جز این سطح لاچوردی اثری باقی نمانده است.

مدارک مربوط به باستانشناسی که گفتگو از آنها در این گفتار بیجاست نشان میدهد که این گونه درفش‌ها چنانکه پیش از هخامنشیان در ایران معمول بوده، پس از آنان نیز از میان نرفته در دربار شاهان محلی فارس یعنی در قندهارها که از ۲۰۰ پیش از میلاد تا ۲۱۰ میلادی میان سلسله‌های هخامنشی و ساسانی یعنی همزمان با دوره‌های سلوکی و اشکانی در سرزمین فارس پادشاهی کوچکی داشته‌اند، معمول بوده‌است.



موزه‌های هنرهای زیبای کشور میگویند تا هنرهای ملی
و سبک باستانی ما را از دستبرد فراموشی مصون دارد

۴۶

موزه مردم‌شناسی

بگذارید با هم بهتر بشناسیم
بیایید که هر چه بهتر بشناسیم

در خیابان ازمنه (بوعلی) بر سر دره فیواری کوتاه تابلوی
نسبتاً بزرگی که با حروف درشت عنوان « موزه مردم‌شناسی »
روی آن نوشته شده توجه هر مابری را بخود جلب میکند .
شاید برای بیشتر کسانی که فرست بازدید از آن محل برایشان
بدرست نیامده مفهوم این عنوان در وهله اول کسی نامأنوس
و ناآشنا باشد و از خود بپرسند موزه مردم‌شناسی یعنی چه! و اصولاً
فلسفه تشکیل چنین موزه‌ای چه بوده و در داخل آن چه چیزهایی
برای تماشا و بازدید مردم جمع‌آوری شده‌است .
هر يك از این سئوالها و پرسشهای مشابه آن در حد خود
درخور توجه است . و بیاییم برای آنكه سئوالهای شما
پس جواب مانند بیایید ، با هم سری به داخل موزه مردم‌شناسی بزنیم
و از نزدیک با اشیاء و آثاری كه از گذشته و حال در آن گردآوری
شده بازدید نمائیم اگر اینكار عملی شود تقریباً قسمت اعظم
بسیجیدگیهای سئوالهای شما روشن خواهد شد . مسئولان موزه
مردم‌شناسی همه وقت در آنجا آماده راهنمایی بازدیدکنندگان هستند
و شما را در جریان کیفیت و چگونهگی تشکیل موزه مردم‌شناسی
خواهند گذاشت . ولی اگر شما مجال چنین بازدیدی را ندارید
اجازه فرمائید ما در اینجا مختصری از سابقه بوجود آمدن موزه
مردم‌شناسی و اشیاء و آثار كه در آن نگهداری میشود برای
شما شرح دهیم .

بك خاوانده دورگرس مربوط به اوایل قرن ۱۴ هجری قمری





مجلس ارباب و رعیت مربوط به اوایل قرن ۱۴ هجری قمری

دانش پژوهان جوان بنواحی مختلف کشور در امر گردآوری فولکلور و وسایل زندگی مردم ایران و نمایش گذاشتن آنها، تحول عظیمی بوجود آورده است.

بطور کلی اشیاء موزه مردمشناسی که در معرض نمایش قرار داده شده و معرفی طرز زندگی و هنر مردم ایران میباشد بقرار زیر است:

اشکال مختلف لباس زنان ایرانی در دو قرن اخیر که شامل لباسهای بلند اوایل قرن سیزدهم هجری و نامنهای کوتاه و چتری اواخر قرن سیزده و اوایل قرن چهاردهم هجری است. این لباسها برتن مجسمه‌های بزرگ مومی پوشانیده شده و در قسمتهای متعددی نمایش داده شده است. به علاوه مقداری از وسایل زندگی مسرّم آن دوره و همچنین کارهای دستی ایرانیان مانند فلدانها، نقاشیها، گلدوزیها و غیره که نماینده ذوق و سلیقه مردم ایران است این مجموعه را تکمیل مینماید. لباسهای عتبار مختلف کشور مانند کربها، بختیارها، لرها، بلوچها و غیره نیز قسمت مهمی از موزه را تشکیل میدهد. اشیاء مذهبی، مجموعه‌ای از شیشه‌های ایرانی، جواهرات و تزئینات زنان ایران، تپه‌های مختلف مردم کشور در نیم قرن پیش در این موزه به معرض نمایش گذاشته شده است.

غرفه‌ای از گیلان که معرف جنبه‌های مختلف زندگی مردم آن ناحیه میباشد و همچنین قهوه‌خانه‌ای بسبک قهوه‌خانه‌های قدیم از کاملترین و زیباترین غرفه‌های این موزه میباشد.

همه ساله حامل کار گروه‌های اعزامی اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه هنرهای زیبای کشور به استانهای مختلف کشور بمرور مردمشناسی منتقل و در غرفه‌های جدید برای بازدید عیوم به معرض نمایش نهاده میشود و ما امیدواریم که در آتیبه ریزناز منسلتری در باره این موزه و غرفه‌های مختلف آن بخوانندگان عزیز تقدیم نمائیم.



زن گیلانی در حال بافتن چادر شب

لاری با چادر گلدار



پاک مرد در لباس قدیم

زن گیلانی در حال تکان دادن گهوآره



ساختن موزه مردمشناسی یکی از بناهای قدیمی تهران است که در اوایل قرن چهاردهم هجری قمری ساخته شده است. در حدود بیست و پنج سال پیش یاسر اعلیحضرت فقید، وزارت فرهنگ درصدد ایجاد موزه مردمشناسی برآمد و برای این امر به تمام ادارات فرهنگ نواحی مختلف کشور دستور دادند که اطلاعات و اشیاء مربوط به زندگی مردم نواحی مختلف ایران را جمع‌آوری و بمرکز ارسال دارند. این ترتیب پایه و بنیاد موزه مردمشناسی ایران ریخته شد و در سال ۱۳۱۷ رسماً افتتاح گردید. لکن در اثر عدم توجه و نبودن متخصصان علم مردمشناسی و موزیم‌داری این موزه کم‌کم بصورت انبار کالا درآمد و مانند دکانهای بسیاری بدون رعایت اصول از اشیاء گوناگون آبیانته شد در حالیکه اشیاء و اطلاعات گردآوری‌شده برای ایجاد موزه‌ای که از هر نظر بر غایت و نقش باشد تناسب زیادی نداشت.

در چند سال اخیر هنرهای زیبای کشور برای رفیع‌نقائص موزه مردمشناسی اقتباسات مؤثری بعمل آورده و با تزیین و اعزام

مردی در لباس قدیم



نمایشگاه نقاشیهای معاصر ترکیه

ساعت ۵ بعد از ظهر روز دوشنبه بیست و هشتم آبانماه نمایشگاه آثار نقاشیهای معاصر ترکیه با حضور جناب آقای پهلبد و جناب آقای رشاد ارهان سفیر کبیر ترکیه در تالار فرهنگ افتتاح گردید. در این نمایشگاه که با اهتمام اداره روابط بین المللی و انتشارات هنرهای زیبای کشور و با همکاری اداره روابط عمومی سازمان پیمان مرکزی ترتیب یافته بود آثار بیست و سه نقاش ترک به معرض نمایش نهاده شد. هدف و تا سوم آذرماه برای تماشای عموم ادامه داشت. هدف از برگزاری نمایشگاه نقاشیهای معاصر ترکیه آشنائی کشورهای عضو پیمان مرکزی با آثار هنری یکدیگر بوده است. در مراسم افتتاح نمایشگاه آقای سفیر کبیر ترکیه

بیاناتی بشرح زیر ایراد کردند:

جناب آقای پهلبد، آقایان سفراء، خانها و آقایان

هدف این نمایشگاه که توسط ستون بنظرتوسعه روابط فرهنگی و هنری بین کشورهای وابسته باین سازمان تشکیل شده است معرفی پیشرفتهای نقاشی کشور ترکیه است. این نمایشگاه ابتدا در کراچی تشکیل گردید و اینک در تهران گشایش مییابد.

همچنانکه از آثار موجود در این نمایشگاه پیداست سبک غربی نقاشی ترکیه مثل دیگر کشورهای اسلامی بسیار جدید است.

تمام موزهها، تالارها و کتابخانههای کشورهای غربی مزین از تابلوها و تصاویری است که از قرن ۱۴ در اروپای مسیحی بسبب زنده از شخصیتهای تاریخی زندگی اجتماعی و صحنههای جنگی تهیه شده است.

اولین شخصیتی که در مورد نقاشی اجازه تهیه برتره خود را به هنرمندان غربی داد - سلطان محمد دوم فاتح شهر استانبول بود.

این سلطان روشن ذهن که دارای معلومات فراوان در علوم و بخصوص علوم مذهبی بود برای تهیه برتره های خود هنرمندان بنامی را از شهر ناپل و از



آقای سفیر کبیر ترکیه هنگام سخنرانی در نمایشگاه نقاشیهای معاصر ترکیه



شهرها اثر « حسین ذکائی پاشا »

ایتالیا به شهر استانبول دعوت کرد. از آن زمان بعد هنرمندان ترک برای بیان احساسات خود در برابر زیباییها بموض سبک غربی، مینیاتور را انتخاب کردند. تا اینکه کم کم دورهای پیش آمد و هنرمندان ترک امکان یافتند بسبک غربی بپردازند.

برای هنرمندان ترک که مدت پنج قرن به فن و تکنیک مسطح مینیاتور شرقی خو گرفته بودند - گذشتن از شیوه و بینشی شیوه و بینش دیگر بامشکلاتی چند همراه بود و بدین سبب هنرمندان ترک فقط در قرن نوزدهم موفق به تطبیق سبک غربی شدند.

آثار موجود در نمایشگاه حاضر متعلق به احمد علی پاشا، حسین ذکائی پاشا و عثمان حسدی، از اولین آثار نقاشی جدید ترکیه بشمار میرود.

در بین آثار این نمایشگاه که خلاصه ای از تکامل هنر نقاشی ترک از اواسط قرن نوزدهم تا امروز است جای خالی بعضی آثار بچشم نمیخورد.

بالبینکه در نمایشگاه حاضر بحکم اجبار تعداد معدودی از آثار هنرمندان ترک عرضه گردید امیدوارم که مدعوبین ارجحتن ما بتوانند با مشاهده نمونه های

موجود از مراحل مختلف آثار هنری ترک اطلاعات کافی بدست آورند.

آقای نورالله برك یکی از نقاشان معروف که سمت مدیریت این نمایشگاه را دارند میتوانند توضیحات دیگری راجع باین آثار در اختیار شما بگذارند.

در خانه صیسانه از سازمان سنتو که این فرست گرانها را برای شناساندن آثار هنرمندان معاصر ترک به اهالی محترم پایتخت کشور دوست ما فراهم کرده است همچنین از ریاست محترم هنرهای زیبای کشور که همکاری ایشان برای ما بسیار ارزنده بود و خانها و آقایانی که ما را سرفراز فرموده اند سپاسگزاری میکنم.

رنگ قالی باقی اثر « تورجون رحیم »



استاد علی کریمی



مدرسه صنایع مستظرفه شود. سه سال در مدرسه صنایع مستظرفه زیر نظر آقایان استاد کمال الملک و استاد اسماعیل آشتیانی به کسب هنر نقاشی پرداخت و سپس وارد هنرستان صنایع قدیمه گردید.

در سال ۱۳۱۹ در رشته نقاشی و مینیاتور با احرارز رتبه اول بدریافت هنرنامه عالی نایل شد و همین مناسبت بوسیله وزیر پیشه و هنر وقت یک جلد کتاب تاریخ صنایع بوی اعطاء گردید.

پس از خاتمه تحصیل، بست هنرآموز در هنرستان صنایع قدیمه مشغول تعلیم شاگردان گردید و در اواخر جنگ بین المللی دوم که سران سعدولت بزرگ کنفرانسی در تهران تشکیل دادند از صورت روزولت، چرچیل و استالین تابلوهائی بسبک مینیاتور روی عاج تهیه کرد و بنام خود بوسیله دولت ایران برای آنها ارسال داشت. در همان زمان از طرف بعضی از دولتهای بزرگ از جمله دولت انگلستان از ایشان دعوت بعمل آمد.

آقای علی کریمی از آن عده هنرمندان انگشته شکاری است که گاهی در کشور ما میدرخشند و درخشندگی و جلالتی بس بزرگ در تاریخ هنر و پیشرفت آن از خود یادگار میگذارند. کسانی که با روزنامه ها و هنر سروکار دارند بدون شك بزندگی هنری و فعالیت و پیشکار کریمی آشنا هستند و میدانند که او بارها برای شناساندن افتخارات تاریخی میهن ما دست به چه کارهای کم نظیر و افتخار آمیزی زده و چگونه ماهها و سالها بشمارندگی از جانب هنرهای زیبای کشور در کشورهای خارج در راه بزرگ داشت هنر اصیل ایران فعالیت میکرده است. زندگی هنری او که در واقع فصل برجسته کتاب گوشه های ۶۰ ساله او را نشان میدهد بطور اختصار چنین آغاز میشود:

از سن ده سالگی علاقه و ذوق زیادی به نقاشی در خود حس میکرد و همین احساس سبب گردید که از سال دوم متوسطه دنبال تحصیل را رها کند و وارد

سیمای هنر مندلیف



تا بانجا مسافرت کند آقای کریمی با تفاق دوتن از هنرمندان ایرانی (آقایان محمدعلی زاویه ، رستم شیرازی) مدت یکماه ونیم در شهرهای اکنفورد ، کمبریج ، کلاسکو و ادنبورگ ببازدید از آثار هنری وموزدهای مختلف مشغول بودند واز آثار سه هنرمند نمایشگاهی در شهرهای لندن ، ادنبورگ ترتیب داده شد که مورد توجه واقع گردید و جراید انگلستان عموماً آنها را ستودند .

در سال ۱۹۵۸ که ایران در نمایشگاه جهانی بروکسل شرکت داشت بست نماینده هنرهای زیبای کشور در تمام دوره شش ماهه نمایشگاه در بلژیک بود و ۵۶ نفر استاد و کارشناس هنری بین المللی که بنام زوری نمایشگاهی از بین مقامات کشورهای جهان تعیین شده بودند کریمی را بست معاون اول زوری بین المللی انتخاب کردند .

آثار و تابلوهای آقای کریمی در نمایشگاه هنرهای زیبای آسیایی که در دهلی نو تشکیل گردید ببعرض نمایش گذارده شد و در آنجا بدریافت مدال درجه اول نایل گردید . علاوه بر آن کریمی مأمور دریافت دیپلماسی نمایشگاهی از هنرهای ملی ایران تشکیل دهد . این نمایشگاه در محل موزه هنرهای مدرن ترتیب داده شد ومورد توجه قرار گرفت .

آقای کریمی با بست های بازرسی عالی هنرهای زیبای کشور ، کمیل اداره هنرهای ملی ، بازرسی ویژه هنرهای زیبای کشور ، رئیس هنرستان هنرهای زیبای پسران و فعالیتهای هنری خود ادامه داد تا اینکه در دهم شهریورماه ۱۳۴۱ بنا به تقاضای خود باز نشسته شد . دریافت دیپلم اسپیک هلمینکی از دست شاهنشاه فرمان نشان هنر از وزارت فرهنگ ، تقدیر نامهائی از سران دول بزرگ ، دیپلم افتخاری از آکادمی بین المللی ژنو ، مدال ملای هندوستان ، مدال افتخار ترکیه ، مدال و جایزه اول نمایشگاه جهانی بروکسل از جمله افتخارات بزرگ آقای کریمی محسوب میشود .



چوکان بازی اثر استاد علی کریمی



میرحیام اثر استاد علی کریمی

تحلیل از آقای علی کریمی

ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه سوم آذرماه برای تحلیل و تقدردانی از خدمات آقای علی کریمی رئیس سابق هنرستان هنرهای زیبای پسران که اخیراً با افتخار باز نشستی نایل شدند مراسم از طرف هنرهای زیبای کشور در تالار اداره هنرهای دراماتیک برگزار شد . در این مراسم معاونان ، رؤسا ، کارمندان ادارات هنرهای زیبای کشور ، چند تن از اساتید دانشگاه و برخی از هنرمندان و دوستان آقای علی کریمی با بانو اوشان حضور داشتند .

ابتدا آقای رفیع حالتی استاد هنرستانهای هنرهای زیبای دختران و پسران از طرف همکاران خود شهادت راجع به خصوصیات اخلاقی ، روشهای اداری وسوابق هنری و خدمات آقای کریمی بیان داشت . سپس آقای سادقی نژاد معاون هنرهای زیبای کشور ضمن بیانانی فعالیت و کوششهای آقای کریمی را ستودند . آنگاه آقای علی کریمی ضمن اظهار تشکر از جناب آقای پهلیدی و مدعوین اظهار داشت : از چند روز پیش وقتی که شنیدم قرار است چنین مراسمی ترتیب داده شود چنان احساسی بمن دست داد که تا آخر عمر فراموش نخواهم کرد و امشب هم بقدری دچار این احساس شدم که نمی توانم حق مطلب را ادا کنم .

اصولاً همکاری مسیانه و حسن رابطه بیسن هنرمندان آرزوی همه است و مسلماً تمام دوستان چه فنی و چه اداری که در این مجلس تشریف دارند و آنهایی که در خارج هستند همه علاقه دارند روابط دوستانه و بهتری داشته باشند و انجام این آرزو بدست خودمان است . کلیه هنرمندان دهر رفته و مقامی که هستند از سه طبقه خسارچ نیستند : شاگردان - همکاران - استادان . شاگرد هنرمند وظیفه دارد با استاد خود که چند دقیقه یا چند ساعت یا چند ماه و بالاخره چند سال از او

تعلیم گرفته احترام و قدرشناسی لازم را بعمل آورد ، حتی اگر هنرمندی خود ساخته باشد و معلم ندیده باشد مسلماً از آثار هنری دیگران استفاده ننوده و الهام گرفته است بنابراین مدیون است و دین خود را باید بوسیله قدرشناسی ادا نماید .

اگر کسی ادعا کند خودم فهمیدم از هیچ کس چیزی یاد نگرفته ام بدبختانه باید گفت که دچار مرض خودخواهی است .

همکاران باید محاسن و قدرت هنری همکار خود را علناً اظهار نمایند معایب و نقاط ضعف او را محرمانه و مسیانه بخودش یاد آور شوند نه اینکه در حضور همکار ساکت باشند و در تعریف و تسجید افراط کنند اما در غیاب ، نقاط ضعف هنری یا اخلاقی او را با ذره بین حسادت بزرگ کرده بین همکاران معرفی نمایند .

استادان نیز باید توقع خود را با احترام و درجه هنری خود محدود سازند و همیشه شرایط زمان و سیر جریان هنری را در محیط خود در نظر داشته باشند تا شاگردان را دنیا لهرو بار نیاورند .

هرگاه استادی توقع کند که شاگردش همیشه باید پائین تر و باضلاح برای همیشه شاگرد بنامد بطور غیر مستقیم تنزل سطح هنر را تجویز کرده است زیرا اگر قرار باشد تمام شاگردان یکدرجه از استاد خود پائین تر بنامند بعد از چند نسل و تربیت چند دوره شاگرد ، سطح هنر مملکت به صفر خواهد رسید بلکه برعکس تمام استادان باید انتظار داشته باشند شاگردی تربیت کنند که بعد از خودشان قدری بالاتر برود .

آقای کریمی در پایان بیانات خود از مرحوم استاد هادی تجویدی که مدت مدیدی تحت تعلیم او مینیاتور سازی را فرا گرفته و استاد اسماعیل آشتیانی و استاد حسین بهزاد که حق استادی نسبت بابشان دارند قدرشناسی کردند .

طی ماه گذشته عدد زیادی از دوستان، خوانندگان و سروران گرامی بویژه ارباب محترم جرائد، طرق مختلف، شفاهی - کتبی و کتب انتشار این مجله را تبریک گفته ما را مورد تشویق قرار داده‌اند. نویسندگان و کارکنان مجله «هنر و مردم» از این همه لطف و مرحمت متشکراند. و اظهار محبت نسبتاً شکرآورد مطبوعاتی و خوانندگان عزیز موجب ترقیب ما بادامه این خدمتگاری صادقانه خواهد بود.

خواننده گرامی

همچنانکه در مقدمه نخستین شماره این مجله با شما در میان نهادیم این مجله مال شما است و بخاطر آن انتشار می‌یابد تا شما را با واقعیت هنر و هنرمندان واقعی آشنا سازد، بنابراین با ما مکاتبه کنید. ما نظرات شما را دقیقاً بررسی خواهیم کرد، از انتقادات شما با آغوش باز استقبال خواهیم نمود و سوالات شما پاسخ خواهیم گفت. اینک ضمن تشکر از آن دسته خوانندگان عزیز که باین تقاضای ما پاسخ مثبت داده‌اند بجوابگویی سوالات رسیده مبادرت مینمائیم:

آقای علی مهدی از تهران پرسیده‌اند «منظور از تشکیل نمایشگاه خراسان چه بوده است و اصولاً برپاساختن اینگونه نمایشگاه‌ها چه سودی در بردارد؟». ضمن تشکر از توجه این خواننده گرامی امیدواریم که «مقاله نمایشگاه خراسان» که در این شماره بیجاپ رسیده است به سوالات ایشان پاسخ کافی داده باشد.

آقای محمد مستوفی از تهران، از ما درباره شرایط نام نویسی هنرستان هنرهای زیبای پسران و مزایای فارغ التحصیلان آن هنرستان سؤال کرده‌اند - بزودی طی دیرنازی از وضع این هنرستان اطلاعات لازم را در اختیار این خواننده گرامی و سایر خوانندگان علاقمند خواهیم گذاشت.

آقای پرویز زارعی از امریش مطالبی مرقوم داشته‌اند که طی نامه‌ای جداگانه بآن پاسخ گفته خواهد شد.

خانم قدسی احمدی ضمن اشاره بمقاله «آشنائی با مکانی ناشناخته» که در شماره اول این مجله بیجاپ رسیده است پرسیده‌اند «معنی کلمه دراماتیک چیست؟»

دراماتیک بمعنی نمایشی است و منظور از هنرهای دراماتیک، هنرهای نمایشی است.

آقای اصغر ترابی می‌پرسند «آیا در هنرستانهای هنرهای زیبای کشور رشته حجاری هم تعلیم داده میشود؟» پاسخ باین سؤال مثبت است و هم‌اکنون ساختن پیکرهای سنگی در هنرستانهای هنرهای زیبای کشور تعلیم داده میشود.